

پیروز ارجمند، مدیر کل اسبق دفتر موسیقی وزارت ارشاد:

# موسیقی نیازمند جراحی مدیریتی و تقویت نقش دولت است

اگر امروز بخواهیم لیستی از موسیقیدان‌های متعهد به انقلاب و ارزش‌ها را تهیه کنیم، خواهیم دید که بسیاری از آنها مهاجرت کرده

و از کشور رفته‌اند یا خانه‌نشین شده‌اند!



متأسفانه آنها آگاهی لازم در این زمینه ندارند و کارها را به صورت غیر قانونی دالوند می‌کنند و گوش می‌دهند.
مصرف موسیقی در کشور مانسبت به مثلاً دهه ۷۰ یا ۸۰ چند ده برابر شده که تقریباً یک افزایش صددرصدی پیدا کرده است اما در آمد هنرمندان در قبال محصولی که برای مردم تولید می‌کنند تقریباً نزدیک به صفر است. یعنی ما یک باغی داریم که این باغ دیوار ندارد و هر کسی که می‌خواهد می‌رود و محصول این باغ را می‌چیند و مصرف می‌کند بدون اینکه به صاحب ویاغبان آن هزینه‌ای را پرداخت کند.
همراه بوده که باید به یک نگاه فرهنگی تبدیل شود به نظر می‌رسد که این معضل اساسی است که در



هست به آنها اشاره کنید.

موسیقی در حوزه آکادمیک یا در بخش آموزش مسیر خوبی را طی کرده است و می‌توانیم بگوییم که یکی از داری‌های ما در عرصه موسیقی بعد از انقلاب این بوده که موسیقی علمی و آکادمیک ما خصوصاً در بخش پژوهش و تألیف کتاب و آموزش عالی شکل گرفته است. به نظر می‌رسد این مسئله برگ برنده بزرگی برای ماست و در طول تاریخ صدساله موسیقی ما که تاریخ معاصر موسیقی ما محسوب می‌شود، هیچ‌گاه چنین رشدی را در نظام آموزش عالی و تاپ نداشته‌ایم. قطعاً این قابل تأمل است اما کافی نیست. به هر حال این دانشگاه‌ها شکل گرفته‌اند تا متخصصانی را به عرصه موسیقی و مدیریت آن وارد کنیم. اشکال اساسی آنجاست که اساساً نظام مدیریت موسیقی ما یک نظام کاملاً غیر تخصصی است. مشکل اساسی موسیقی ما اصل موسیقی و مردم نیستند. تخصصانی هستند که هیچ‌گاه به کار گمارده نمی‌شوند چه در شوراها و چه در مدیریت عرصه موسیقی. در بین همه مدیران کل موسیقی کشورمان از ابتدای پیروزی انقلاب تا کنون تنها کسی که دارای تخصص بود، بنده بودم و در همان دوره در وظایف دولت‌ها حمایت از موسیقی است و حمایت

یعنی ایجاد زیرساخت‌ها، راهکاری که اینجا می‌تواند گره‌گشا باشد، نقش‌دهی به بخش خصوصی است و اگر دولت خودش نمی‌تواند انجام‌دهد، لاقل می‌تواند مساعدت کند تا بخش خصوصی تحت نظارت آن اقدام به ایجاد زیرساخت‌ها بکند. از سوی دیگر دولت نباید مجوز اجرای کنسرت در سالن‌های ورزشی را صادر بکند و مانع اجرا در اینگونه سالن‌ها شود بلکه می‌تواند با بستن تگجری در این مورد، بازار را به سمت اجرا در سالن‌های رسمی و استاندارد گرایش بدهد. اگر دولت خودش هم نخواهد کاری انجام بدهد، من به‌طور قاطع می‌دانم که بخش خصوصی این آمادگی را دارد که کارهای خوبی را انجام بدهد.

**همانطور که اشاره کردید ما در حوزه اجرای موسیقی و مجوزها ضعف‌هایی داریم که باعث رکود و اوضاع غیر قابل قبول کنونی در عرصه موسیقی کشورمان شده است آیا اوضاع موسیقی در حوزه آکادمیک و آموزش هم به دلیل وجود چنین مشکلاتی دچار آسیب شده است؟** و اگر مشکلاتی



عملکرد ضعیف دولت و به کار گماردن مدیران غیرمتخصص در کنار رفتارهای سلبلی و اعمال سلیقه شخصی تبدیل به مجموعه‌ای شده که در حال شکستن کمر موسیقی است. با برگزاری انتخابات سیزدهمین دوره ریاست جمهوری و تعیین حجت‌الاسلام رئیسی به عنوان رئیس آینده دولت، کارهای بر زمین مانده زیادی به خصوص در حوزه‌های مختلف وجود دارد که باید در قالب اقدامات برنامه‌محور مورد اهتمام قرار بگیرند تا ضمن آواربرداری از این خرابی‌ها زمینه حرکت و جهش آنها فراهم شود. پیروز ارجمند تاج‌الدینی، مدیر کل اسبق دفتر موسیقی وزارت ارشاد از جمله مدیران متخصصی است که سابقه حضور در سطوح مختلف مدیریت و نیز آموزش موسیقی را در کارنامه دارد. وی به عنوان یک موسیقی‌شناس قومی، مدرس و دانشگاه و آهنگسازی که ضمن عضویت در شورای واژه‌گزینی موسیقی‌فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی تاکنون موفق به ساخت ۱۵۰ موسیقی فیلم و سریال باشد می‌تواند گزیننه مناسبی برای تحلیل اوضاع کنونی و نشان دادن نقاط ضعف و عوامل مؤثر در شکل‌گیری رکود و عقب‌ماندگی عرصه موسیقی در حوزه تولید محتوا و مدیریت باشد. «جوان» در گفت‌وگو با این مدرس و مدیر اسبق عرصه موسیقی ضمن تحلیل اوضاع فعلی به اقدامات و استراتژی‌هایی که دولت آینده باید برای بهتر شدن تولیدات موسیقایی و رسیدگی به اوضاع فعالان موسیقی مورد توجه قرار بدهد، پرداخته است.

**موسیقی در یک دهه اخیر دچار آسیب‌های جدی شده است. از زیبایی‌تان از اوضاع فعلی موسیقی کشور چیست؟**

از دو منظر گاه می‌توان به موسیقی نگاه کرد. یکی منظر اقتصادی است که در عرصه صنعت و هنر موسیقی قرار دارد و بخش دیگر مربوط به بحث محتوا و تولید است. اصلاً صنعت موسیقی در دو جنبه صنعت و هنرمندان تعریف می‌شود. هنرمندان شامل نوازندگان، آهنگسازان، رهبران و خوانندگان می‌شود. صنعت هم شامل شکرهای تهیه و تولید، سرمایه‌گذاران، استودیوها صنعت پخش و تولید لوح فشرده که همه اینها را می‌توان در بخش صنعت موسیقی تعریف کرد. کل این مجموعه‌هایی که به آنها اشاره شد، دچار بحران هستند. در دهه ۹۰ عرصه موسیقی در قالب کنسرت‌ها تعریف شد یعنی درآمد اصلی موسیقی خصوصاً در بخش پاپ از کنسرت‌ها بوده است. پیش از آن و در دهه ۷۰ و ۸۰ در قالب نوار کاست و سی‌دی بود. بنابراین این تغییری که رخ داد باعث ایجاد رونق در صنعت موسیقی شد. خصوصاً رشد تقریباً ۱۰۰ برابری اجرای کنسرت‌ها در اوایل دهه ۹۰ یک رشد قابل توجه بود اما این رشد همانطور که اشاره شد صرفاً مربوط به موسیقی پاپ بود و در عرصه موسیقی سنتی، محلی و کلاسیک ما چنین رشدی را شاهد نبودیم.

**علت این رشد قابل توجه در حوزه موسیقی پاپ را چه چیزی می‌داند؟**

علت اصلی آن تغییر حامل‌های صوتی برای شنیدن موسیقی بود.

**یعنی منظور تان سهیل الوصول بودن تولیدات موسیقی برای مردم است؟!**

بله. در دنیا این تغییر رخ داد و مردم آلبوم‌های موسیقی را تهیه می‌کردند و می‌شنیدند. از زمانی که فضای اینترنت ایجاد و دسترسی به آثار آسان شد، در کنار آن بخشی از موسیقی که به صورت زنده پخش می‌شود و آداب خاص خودش را هم دارد، باعث شد اجرای کنسرت‌ها رونق بگیرد و گرایش مردم هم به این سمت بیشتر شود. در مجموع موسیقی پاپ توانسته در این اوضاع خودش را نگه دارد و حفظ کند ولی موسیقی محلی و سنتی و کلاسیک در حال کما قوت رفته است و بخشی از آن حتی در حال مرگ است. بنابراین چه از بعد محتوایی و چه از بعد اقتصاد و تولیدی ما روزگار خوبی را در موسیقی شاهد نیستیم.

**غیر از بحث کرونا که موسیقی و دیگر عرصه‌های هنری را تحت تأثیر منفی قرار داده است، چه مسائل دیگری را در شکل‌گیری آنچه شما از آن به در حال مرگ بودن موسیقی تعبیر کردید اثر گذار می‌داند؟**

یکی از معضلات ما در عرصه موسیقی بحث کپی‌رایت است. یکی رایت در کشور ما توسط دو گروه رعایت نمی‌شود؛ یکی صدا و سیماست و دیگری مردم. به نظر می‌رسد قانون کپی‌رایت که آن نزدیک به ۱۵ سال است در مجلس مانده و ممکن است به دلیل فشارهایی باشد که از سوی نهادهایی مثل صدا و سیما صورت گرفته است، هیچ‌گاه عملیاتی نشده است. اگر این قانون زودتر نهایی بشود، صدا و سیما مکلف خواهد شد مطابق قانون در قبال بخش آثار هنرمندان وجهی را پرداخت کند که همان حق‌پخش است و می‌تواند موجب یک رونقی برای تولید آثار بیشتر و نیز اشتیاقی در بین هنرمندان و عرصه آثار با کیفیت بهتر بشود. سمت دیگر این قضیه مردم هستند که

در حوزه موسیقی نداریم و هر مدیری که مسئولیت می‌گیرد بر اساس سلیاق شخصی‌اش عمل می‌کند و از نگاه خردورزانه و جمع‌نگر خبری نیست، بنابراین این من فکر می‌کنم ما به طور جدی نیازمند جراحی در این سیستم مدیریتی هستیم. مجدداً تأکید می‌کنم که این بحران مشروعیت موسیقی در حالی است که تکلیف حاکمیت در رابطه با حدود و ثغور موسیقی مشخص و روشن است و مرزها را تعیین کرده و اگر طبق آن دستورالعمل‌ها رفتار بشود، قطعاً مشکلی نخواهیم داشت. موضوع مشکل نداشتن حاکمیت با موسیقی را بنده دارم عرض می‌کنم که سالیان زیادی در حوزه تخصصی مدیریت موسیقی کشور کار کرده‌ام و به شئون و مشکلات آن احاطه کامل دارم. مشکل ما بدسلیقگی مدیران میانی برخی دستگاه‌های ناظر و نگاه مدیران غیرمتخصص است که همواره نگران از دست دادن جایگاه و بست شدن پایه‌های میز مدیریتی‌شان هستند.

**در استانه استقرار دولت جدید و معرفی وزرای کابینه آن هستیم. توصیه شما به عنوان یک مدیر متخصص به دولت جدید در حوزه موسیقی چیست و فکر می‌کنید باید بر کدام مسائل متمرکز شود تا ضمن عبور از خمودگی و عقب‌ماندگی فعلی بتوانیم حرکت و جهش روبه جلو هم داشته باشیم؟**

ما در کشوری زندگی می‌کنیم که شخصیت‌های بالقوه‌ای برای توسعه فرهنگی متناسب با نیازهای فرهنگی جامعه ایران اسلامی وجود دارند. حافظ می‌گوید: «سال‌ها دل طلب جام‌جم از ما می‌کرد/ و آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد.» ما آنچه را لازم هست، داریم. ما در بخش حوزه نیروی انسانی متخصصان پای کار بسیاری داریم که اگر دولت وظایف تکلیفی و قانونی خودش را بدون اعمال نگاه سلیقه‌ای انجام بدهد و در حوزه ایجاد زیرساخت‌ها و حمایت از بخش‌هایی از موسیقی که اصطلاحاً به آنها گونه‌های هنری گفته می‌شود مثل موسیقی سنتی، موسیقی ملی و موسیقی آکادمیک حمایت‌ها و کمک‌هایی انجام بدهد من فکر می‌کنم که موسیقی می‌تواند گلیم خودش را از آب بیرون بکشد و جهش لازم را انجام بدهد. الان کف خواسته‌های هنرمندان از دولت این است که روند اعطای مجوزها را سرعت بدهد. شما وقتی می‌خواهید گذرنامه بگیرید به رغم اینکه یک سند هویتی و بسیار مهمی برای همه افراد است نیروی انظمایی باروش‌های متنوعی که دارد به سرعت آن می‌تواند صادر می‌کند اما در این‌سوی ماجرا وقتی می‌خواهند یک مجوز ساده برای کنسرت موسیقی صادر شود هنرمند باید ماه‌ها بپاید و برود تا مجوز برایش صادر بشود اما در دوران انقلاب، دوران جنگ تحمیلی و بزنگاه‌های خاص همیشه از موسیقی استفاده می‌کنیم و بهره می‌بریم اما امروز که به دلیل اوضاع سخت ایجادشده و بیماری کرونا اتفاقاً مردم نیاز به روحیه شاد و شادابی و نشاط برای زندگی بهتر دارند، عرصه را به موسیقی تنگ می‌کنیم و تولید موسیقی خوب را به پایین‌ترین سطح خودش می‌رسانیم؟! ما حتی در حوزه موسیقی ارزشی خودمان هم عملکرد ضعیف و غیر قابل قبولی داشتیم. من تا سال ۹۳ تلاش بسیار زیادی را برای حفظ جشنواره موسیقی دفاع مقدس انجام دادم و حتی آخرین بار با هزینه شخصی خودم آن را برگزار کردم ولی تلاش‌های من به ثمر ننشست. طی این چند سال تقریباً حدود ۲۰۰ هنرمند درجه یک کشورمان به خارج مهاجرت کرده‌اند. اینها بخشی از متخصصان موسیقی کشورمان بودند. اگر امروز بخواهیم لیستی از موسیقیدان‌های متعهد به انقلاب و ارزش‌ها را تهیه کنیم، خواهیم دید که بسیاری از آنها مهاجرت کرده و از کشور رفته‌اند یا خانه‌نشین شده‌اند! علت آن هم همین کسلسلیقگی مدیران غیرمتخصص است. دولت باید قدرت خودش را در محل سفارت عزتستان در قلم‌قلم‌های وزارت و حمایت‌های لازم را انجام بدهد تا بتواند در حفظ و نگهداری موسیقی که یکی از میراث‌های تمدنی ماست قدمی بردارد. با این اوضاعی که پیش آمده ما نگران از بین رفتن موسیقی محلی کشورمان به دلیل عدم توجه به بحث‌های کارشناسی هستیم که قبلاً انجام شده است و الان موجود هستند. دولت با یک سرمایه‌گذاری اندک و با کمک گرفتن از بخش خصوصی می‌تواند موسیقی را نجات بدهد.

بنده وزارت ارشاد باید در حوزه تعیین راهبردها و استراتژی‌ها جراحی بشود و نیروهای متخصص را به کار بگیرند. وزیر آینده ارشاد حلقه‌های بسته مشاوراتی را که سال‌هاست آفت توسعه و پیشرفت موسیقی کشورمان شده‌اند، بشکند و از ظرفیت هزاران موسیقیدان متخصص و دلسو کشورمان برای بهبود و جهش موسیقی استفاده بکند. دولت باید تولیدات موسیقایی را با نیازهای روز جامعه متناسب‌سازی کند. این دیوار بی‌اعتمادی که بین هنرمندان و دولت ایجاد شده است باید توسط دولت جدید به سرعت از بین برود. ظهور و بروز امثال امیر تلتو حاصل بی‌تدبیری دولت در عرصه موسیقی است و من معتقدم اگر دولت‌ها طبق قانون عمل بکنند می‌توانند ضمن نظارت و کنترل محتوا جامعه را هم از شنیدن آثار فاجر و قابل قبول بهره‌مند کنند.

## فرهنگی

### نگاه



### «از قلم افتاده» به اخبار سانسور شده شبکه رسانه‌ای سلطه می‌پردازد

محمد صادقی

تهیه‌کننده پرس تی‌وی می‌گوید ما آنچه را که مطبوعات جهان از جنایات حاکمان عربستان، امارات و بحرین نمی‌نویسند، نشان می‌دهیم.

عماد رضایی، روزنامه‌نگار در گفت‌وگو با «جوان» درباره علل سانسور اخبار یمن در رسانه‌ها می‌گوید: «آنها که تحصیلکرده رشته‌های روابط عمومی و ارتباطات هستند به خوبی می‌دانند که در تعریف رسانه‌ها و دسته‌بندی مطبوعات سه عامل پول، مخاطب و سیاست تعیین‌کننده‌ترین عامل برای طبقه‌بندی جایگاه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی قلمداد می‌شود. حتی روزنامه‌نگاری یا خبرنگاری موسوم به زرد نیز که هیچ قیدی به اخلاقیات حرفه‌ای رسانه‌ای ندارد و بااستخدام عکاس خبر نگارهای اصطلاحاً پاپ‌آرتی تا تحریم خصوصی سوزها پیش می‌روند هم نمی‌توانند بدون پول و مخاطب همچنین سیاست تعریف شده برای رسانه‌هایشان دوام بیاورند.»

رضایی می‌افزاید: «پس برای رسیدن به مخاطب به عنوان هدف نهایی در عرصه ژورنالیسم، نیاز به پول و سیاست، جدی‌ترین دغدغه صاحبان رسانه است و ما اهل رسانه به خوبی می‌دانیم که پول وارد شده به رگ‌های رسانه‌ها در سراسر جهان در اختیار صاحبان صنایع و کار تل‌های قدرتمند تجاری بسا رویکردهای مشخص سیاسی قرار دارد و طبعاً رسانه‌هایی که سیاست خود را با سیاست آن سرمایه‌داران هر چه بهتر انطباق دهند، امکان ایجاد ارتباط قوی‌تر با آنها را هم پیدا می‌کنند و عملاً تبدیل به تریبون تبلیغاتی‌شان می‌شوند.»

وی با تأکید بر اینکه اتفاقی که امروز برای بسیاری از رسانه‌های مطرح جهان در خصوص لاپوشسانی و سکوت محض در قبال جنایت‌های بی‌شمار حاکمان سعودی، اماراتی و بحرینی رخ داده است با هیچ معیاری قابل سنجش نیست الا پول و سیاست، می‌گوید: «وقتی حاکمان سعودی آگهی‌های پرسود تجاری خود را در اختیار رسانه‌های غربی می‌فراش می‌دهند، حاکمان اماراتی فرصت‌های سرشار سرمایه‌گذاری و حضور در خاکشان را به مدیران ارشد روزنامه‌های غربی واگذار می‌کنند و حاکمان آل خلیفه برای انجام مسابقات فرمول یک اتومبیلرانی جهان در کشورشان جیب رسانه‌های غربی را از پول می‌کنند، طبیعی است که صدای مظلومیت مردم عربستان، بحرین و امارات و از آن سو صدای مظلومان یمن توسط رسانه‌های غربی به گوش افکار عمومی اروپا و آمریکائی‌رسد، چون انتفاع از پول و لابی‌گری‌های سیاسی پرسود با آن جنایتکاران را برای مدتی است دست می‌دهند.»

■ **«از قلم افتاده» پرده از جنایت بر می‌دارد**

همانطور که اشاره شد، رسانه‌های برون مرزی صداوسیما به عنوان جریان مستقل خبری تلاش کرده‌اند تا واقعیت‌های موجود در مناطقی چون یمن را به تصویر بکشند. پرس تی‌وی نیز به عنوان صدای بی‌صدایان جهان با ساخت برنامه «از قلم افتاده» (Under Reported) سعی می‌کند تا پشت پرده پول و سیاست را به مخاطبان جهانی خود کاملاً بریان و بدون سانسور نشان دهد. مهدی عرب، تهیه‌کننده برنامه «از قلم افتاده» در گفت‌وگو با «جوان» تأکید می‌کند: «هدف اصلی ما برای پخش این سه کشور حاشیه خلیج فارس علیه مردم مظلوم یمن، فلسطین و مهاجرتر از همه ملت‌های در بند خودشان است که رسانه‌های غربی به دلیل منافع کلان اقتصادی که از طرف آنان نصیب‌شان می‌شود، حاضر به افشا و انتشارشان نیستند.»

عرب ادامه می‌دهد: «فشارگری در رابطه با سرقت طلاهای کشورهای آفریقایی توسط سران اماراتی و جنایتاتی که حق مردم فقیر قاره سیاه با همدستی سازمان سی‌ای‌ای انجام داده‌اند، فشارگری در باره رسوایی مالی سران بحرین با لابی من (Lobby Man) های مطرح ورزشی و دادن شوه‌های سنگین برای اولی‌ادمه ملت‌هایشان از برگزاری مسابقات جهانی اتومبیلرانی Sport Washing) و نیز حق‌السکوترهای سنگین سعودی‌ها به سیاستمداران و صاحبان رسانه‌های غربی برای دامن زدن به جنایتشان در یمن یا جنایتی نظیر کشتن خاشقچی آن هم با بهره‌گیری در محل سفارت عزتستان در ترکیه از محورهای اصلی برنامه «از قلم افتاده» به حساب می‌آید.»

تهیه‌کننده برنامه «از قلم افتاده» ادامه می‌دهد: «در مدت زمان ۱۰ دقیقه‌ای این برنامه، از تصاویر آرشیوی این جنایات به همراه پخش مصاحبه‌هایی با میهمانان مطرح بین‌المللی و پیش بردن روند کلی از طریق گفتار متن، توانسته‌ایم با مخاطبانمان در اروپا و نیز کشورهای نام برده به خوبی ارتباط سمعی و بصری مناسبی را برقرار کنیم.»

وی ادامه می‌دهد: «در مواقعی هم که نمی‌توان از جنایات سران امارات، سعودی و بحرین در منطقه یا سایر کشورهای جهان تصویر مناسب آرشیوی پیدا کرد، با ساخت گرافیک‌های باکیفیت تصویری، مخاطبان را با خود همراه می‌کنیم و آنها به خوبی متوجه اهداف هر قسمت از برنامه می‌شوند.»

عرب که خود نویسنده برنامه «از قلم افتاده» نیز است، ادامه می‌دهد: «برای بررسی ابعاد همکاری‌های خیانت‌بار سازمان اطلاعاتی امارات با سازمان جاسوسی مוסاد که در راستای خیانت به ملت فلسطین و سایر مسلمانان مطرح بین‌المللی و پیش بردن راتدارک دیدیم که با رضایت بالای مخاطبان هم رو به رو شد.» به نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از دشمنی رسانه‌ها با پرس تی‌وی، به دلیل همان رویکردی است که می‌توان در برنامه «از قلم افتاده» مشاهده کرد. عربستان و متحدانش در منطقه از انتشار اخبار جنایت‌هاشان در یمن عصبانی هستند و پرس تی‌وی و سایر رسانه‌های برون‌مرزی جمهوری اسلامی را عامل آن می‌دانند.